۱۵۴/۱ ۱۵۵/۲ **آ-آموزش**

نام درس : حیات روحانی کد : ۱۸ تعداد واحد : ۲ ۱۵۲/۲

پیش نیاز : ندارد هم نیاز : ندارد ۱۵۳/۱

الف ـ منابع مطالعه

* مفهوم حیات روحانی ـ تالیف : دکتر ویلیام هاچر ـ ترجمه : مینو ثابت ـ موءسسهٔ نشر معارف بهائی به لسان فارسی ـ کانادا ـ ۱۹۹۰ میلادی // (تهیه شود)

(از طریق دبرستان معارف محل دریافت گردد .)

ب ـ ضمایم

ندارد

ج ـ ارزشیابی

۱ ـ امتحانات

ـ ماهانه اول : ندارد

ـ میان ترم (۲۵ نمره / هفتهٔ نهم)

ـ ماهانه دوم : ندارد

ـ پایان ترم (۳۵ نمره / هفتهٔ هجدهم)

۲ ـ تکالیف

ـ تکلیف اول (الزامی / فردی / ۱۵ نمره / هفتهٔ سیزدهم)

ـ تکلیف دوم (الزامی / فردی / ۲۵ نمره / هفتهٔ هفدهم)

۳ ـ گزارش تکلیف

ندارد

مخصوص جامعهٔ بهائی است .

اصلاحیه درس حیات روحانی

ص ۷ راهنما خ ۱۸ ، ۲۰ به ۲۵ تبدیل شود .

ص ۸ راهنما خ ۲۳ ، خضوع و فروتنی اضافه شود.

ص ۵۵ جزوه مفهوم حیات روحانی خ ۱۵ ، شرایط و وصول تبدیل به شرایط وصول شود.

ص ۶۰ " " " خ ۳ ، مظر تبدیل به مظهر شود.

در باره سوءالات انتهای جزوه : پاسخ برخی سوءالات محتملاً منحصر در صفحه قید شده نیست و برای یافتن آن باید بررسی بیشتر در صفحات دیگر نمایید و استنباط و دریافت خود را نیز مرقوم دارید.

در باره تکلیف دوم : برای تکلیف دوم فقط ۵ عنوان از ۱۵ عنوان زیر را انتخاب کنید: توکل - انصاف - صدق - تسلیم و رضا - فداکاری - همت و شکیبائی - خضوع و خشوع - استقامت - محبت - خدمت - انقطاع از ماسوی الله - اخلاص - سرور روحانی

مطالب زیر به صفحه ۱۴ راهنمای درس اضافه شود:

ص ۳۷ امکان (وجوب): مفاهیم ذهن را فلاسفه از نظر انتساب به خارج سه قسم کرده‌اند: واجب ، ممکن و ممتنع ، واجب عبارت از موجودی است که وجودش منتسب به خود و از خود و به خود باشد و به عبارت دیگر موجودیت آن بنفس ذاتش باشد و وجود برای آن ضروری است مانند وجود خدا . درمقابل آن ممکن است که موجودی است که وجودش وابسته به غیر خودش است و وجود و عدم او هیچکدام ضرورت ندارد مانند وجود انسان، قسم سوم نیز ممتنع است یعنی امری که عدم آن ضروری باشد مانند وجود دریاچه نقره. (اقتباس از فرهنگ علوم عقلی سید جعفر سجادی)

ص ۲۹ حواس باطنه :

در انسان قوای خمسه ظاهره جسمانیه موجود و این قوا واسطه ادراک است یعنی به این قوای خمسه انسان کائنات جسمانیه را درک کند. قوه باصره است که ادراک صور محسوسه نماید ، قوه سامعه است که ادراک صورت مسموع کند و قوه شامه است که ادراک مشموم نماید و قوه ذائقه است که ادراک مطعوم کند و قوه لامسه است که در جمیع اعضای انسان منتشر و ادراک ملموس نماید این قوای خمسه ادراک اشیاء خارجه نماید و همچنین انسان قوای معنویه دارد ، قوه متخیله که تخیل اشیاء کند و قوه متفکره که تفکر در حقائق امور نمایدو قوه مدرکه است که ادراک حقایق اشیاء کند و قوه حافظه است که آنچه انسان تخیل و تفکر و ادراک نموده حفظ نمایدو واسطه میان

این قوای خمسه ظاهره و قوای باطنه حس مشترکست یعنی در میان قوای باطنه و قوای ظاهره توسط نماید و قوای ظاهره آنچه احساس نموده گرفته به قوای باطنه دهد این را حس مشترک تعبیر نمایند که مشترک در بین قوای ظاهره و قوای باطنه است مثلاً بصر که از قوای ظاهره است این گل را بیند و احساس کند و این احساس را به قوه باطنه حس مشترک دهد. حس مشترک این مشاهده را به قوه متخیله تسلیم نماید. قوه متخیله این مشاهده را تخیل و تصور کند و به قوه متفکره رساند و قوه متفکره در آن تفکر نماید و به حقیقتش پی برد پس به قوه مدرکه تسلیم کند و قوه مدرکه چون ادراک نمود صورت آن شئ محسوس را به حافظه تسلیم نماید و قوه حافظه حفظ نماید و در محفظه قوه حافظه محفوظ ماند و قوای ظاهره پنج است. قوه باصره و قوه سامعه و قوه ذائقه و قوه شامه و قوه لامسه و قوای باطنه پنج است قوه مشترکه، قوه متخیله، قوه متفکره، قوه مدرکه، قوه حافظه. (مفاوضات ص ۱۶۰ - ۱۵۹)

ص ۳۱ موازین ادراک :

میزان ادراک آنچه مسلم است منحصر در چهار موازین است یعنی حقایق اشیاء به این ۴ چیز ادراک می شود اول میزان حس است یعنی آنچه به چشم و گوش و ذائقه و شامه و لامسه احساس می شود این را محسوس می گویند... میزان حس ناقص است زیرا خطا دارد مثلاً اعظم قوای حسیه بصر است بصر سراب را آب بیند و صور مرئیه در مرآت را حقیقت می شمارد و موجود بیند و اجسام کبیره را صغیر داند نقطه جوالّه را دائره بیند. زمین را ساکن گمان کند. آفتاب را متحرک بیند و امثال ذلک در بسیار امور خطا کند لهذا نمی شود بر آن اعتماد کرد، میزان ثانی میزان عقل است و این میزان در نزد فلاسفه اولی اساطین حکمت میزان ادراک بود به عقل استدلال می کردند و به دلائل عقلیه تشبث می نمودند زیرا استدلالات ایشان جمیعش عقلیست با وجود این بسیار اختلاف کردند... همچنین مسأله را به دلائل عقلیه مدتی اثبات می نمودند و بعد از مدتی به دلائل عقلیه نفی کردند مثلاً یکی از فلاسفه مدتی بر رأیی ثابت بود و در اثباتش اقامه ادله و براهین می نمود بعد از مدتی از آن رأی منصرف می شد و به دلیل عقلی نفی آن را می کرد پس معلوم شد که میزان عقلی تام نیست چه که اختلاف فلاسفه اولی و عدم ثبات و تبدیل فکر دلیل بر این است که میزان عقل تام نیست چه اگر میزان عقل تام بود باید جمیع متفق الفکر و متحدالرأی باشند. میزان ثالث میزان نقل است و آن نصوص کتب مقدسه است که گفته می شود خدا در تورات چنان فرموده است و در انجیل چنین فرموده است این میزان هم تام نیست به جهت آنکه نقل را عقل ادراک کند بعد از اینکه نفس عقل

محتمل الخطاست چگونه توان گفت که ادراک و استنباط معانی اقوال منقوله خطا ننموده بلکه عین صواب است زیرا ممکن است که خطا کند و یقین حاصل نمی شود ... پس بدان آنچه در دست ناس است و معتقد ناس محتمل الخطاست . (مفاوضات ۱۲۰ - ۱۱۹)

مراتب عالم وجود:

بدانکه مراتب وجود متناهی است مرتبه عبودیت (خلق) ، مرتبه نبوت (امر) ، مرتبه ربوبیت (حق) ، لکن کمالات الهیه و امکانیه غیرمتناهی است . (مفاوضات ۱۷۴)

مراتب عالم خلق :

جماد - نبات - حیوان - انسان

آیات عربی جزوه مفهوم حیات روحانی

ص ۱۷ : انه لا یظلم نفسا و لا یامر العباد فوق طاقتهم و انه لهو الرحمن الرحیم.
همانا او به کسی ظلم نمی کند و عباد را به بیش از توانائیشان امر نمی کند و همانا البته او بخشنده و مهربان است.

ص ۲۱ : لو شاء الله لیکون الناس امه واحده ... کذلک قدر الامر من قلم عز منیر.
اگر خداوند می خواست، البته مردم امت واحد می گشتند... اینچنین امر از قلم عز منیر مقدر شد.

ص ۲۴ : قل ان دلیله نفسه ثم ظهوره و من یعجز عن عرفانهما جعل الدلیل له آیاته.
بگو همانا دلیل او در رتبه اولی نفس اوست و بعد از آن ظهور او و آنکس که از عرفان این دو عاجز باشد آیات برای او دلیل قرار داده شده است.

ص ۲۵ : ان اول ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق من فاز به قد فاز بکل الخیر و الذی منع انه من اهل الضلال ولو یاتی بکل الاعمال اذا فزتم بهذا المقام الاسنی و الافق الاعلی ینبغی لکل نفس ان یتبع ما امر به من لدی المقصود لانهما معا لایقبل احدهما دون الاخر.
همانا اولین چیزی که خداوند بر عباد واجب گردانید عرفان مشرق وحی او و مطلع امر او است کسی که در مقام نفس او در عالم امر و خلق است. هر کسی به او فائز شد همانا به کل خیر فائز شده است و کسی که منع شد همانا او از گمراهان است اگر چه تمام اعمال را بجای آورد. هنگامیکه به این مقام اسنی و افق اعلی رسیدید. سزاوار است که هر یک از شما از آنچه به جانب مقصود (عالمیان) بدان امر شده پیروی نمائید. بخاطر اینکه این دو با همند (عرفان و عمل) یکی از آن دو بدون دیگری قبول نمی شود.

ص ۲۶ : فاعلم بان کل الناس قد خلقوا علی فطره الله المهیمن القیوم و قدر لکل نفس مقادیر الامر علی ما رقم فی الواح عز محفوظ ولکن یظهر کل ذلک بارادات انفسکم.
بدان که همه مردم بر فطرت خداوند مهیمن قیوم خلق شد و برای هر نفسی مقادیر امر در همان حد که در الواح عز محفوظ مرقوم گشته مقدر شده است ولکن تمام آن به اراده خود شما ظاهر می شود.

ص ۲۷ : و کلما امرت به عبادک من بدائع ذکرک و جواهر ثنائک هذا من فضلک علیهم لیصعدن بذلک الی مقر الذی خلق فی کینونیاتهم من عرفان انفسهم.

آنچه از بدایع ذکر و جواهر ثنایت به بندگانت امر فرمودی از فضل تو بر ایشان بود تا به کمک این دو به مقام و مقری که در وجود و هستی خودشان خلق شده صعود نمایند یعنی به عرفان نفسشان فائز شوند.

ص ۴۰ : اجعلوا اشراقکم افضل من عشیکم و غدکم احسن من امسکم

روزتان را بهتر از شبتان و فردایتان را بهتر از دیروزتان قرار دهید.

نیمسال ۱۵۱/۲

حیات روحانی

۲ واحد

فهرست مندرجات راهنمای درس " حیات روحانی"

۱ ـ برنامه مطالعه هفتگی	صفحه	۲
۲ ـ مقدمه	"	۳
۳ ـ هدفهای آموزشی	"	۳
۴ ـ معرفی منبع اصلی درس	"	۴
۵ ـ روش مطالعه	"	۴
۶ ـ ارزشیابی و امتحان	"	۶
۷ ـ راهنمای تکلیف اول	"	۶
۸ ـ نمونه تکلیف اول	"	۷
۹ ـ راهنمای تکلیف دوم	"	۷
۱۰ ـ نمونه تکلیف دوم	"	۸
۱۱ ـ اصطلاحات	"	۱۱
۱۲ ـ سوءالات	"	۱۵

جدول زمانبندی مطالعه (برنامه مطالعه هفتگی)

هفته اول : مطالعه راهنما + مطالعه اجمالی جزوه + مطالعه جزوه تا پایان مقدمه صفحه ۱۰ (تا سوءال ۱۷)

" دوم : تا پایان صفحه ۲۲ (تا سوءال ۶۴)

" سوم : تا پایان صفحه ۳۲ (تا سوءال ۹۱)

" چهارم: تا صفحه ۴۷ " عرفان عشق اراده " (تا سوءال ۱۰۹)

" پنجم : تا صفحه ۶۰ " ابعاد جمعی روحانیت " (تا سوءال ۱۲۳)

" ششم : تا انتهای جزوه (تا سوءال ۱۵۳)

" هفتم: مرور جزوه پاسخگوئی به سوءالات

" هشتم: " " " "

" نهم: امتحان میان ترم

" دهم: مرور راهنمای درس و توجه به برنامه نیم ترم دوم و توجه به راهنمای تکلیف اول

" یازدهم: مطالعه جزوه تا صفحه ۳۴ " قوه محرکه رشد و کمال روحانی " و عنوان‌گذاری

" دوازدهم: مطالعه بقیه جزوه تا صفحه ۷۸ " خلاصه و نتیجه" وعنوان گذاری آن

" سیزدهم: تهیه فهرست موضوعی و تحویل به معارف محل در پایان هفته

" چهاردهم: مطالعه راهنمای تکلیف دوم و تعیین عناوین مورد نظر و مطالعه منبع انتخابی

" پانزدهم: مطالعه منبع انتخابی و استخراج نمونه مصادیق

" شانزدهم: تهیه تکلیف مفاهیم و مصادیق و تحویل به معارف محل درپایان هفته

" هفدهم: مطالعه درس بصورت دقیق و آمادگی برای پایان ترم

" هجدهم: امتحان پایان ترم

مقدمه :

دانشجوی عزیز ، از اینکه مطالعه درس " حیات روحانی" را که مقدمه‌ای برحیات بهائی است ، آغاز کرده‌اید خوشحالیم و به شما تبریک می گوییم .

مطالعه این درس حائز اهمیت ویژه‌ای است زیرا حاوی دیدگاه روشنی از مفهوم حیات روحانی است . و حتی الامکان روشن می نماید که برای حصول روحانیت چه شرایطی لازم است .

بر طبق معتقدات اهل بهاء انسان موجودی صرف روحانی است و حیات جسمانی و مادی انسان مجاهده و حرکتی است از نقص به کمال . این سیر و سلوک انسان برطبق مکانیزم از پیش ساخته‌شده‌ای صورت نمی گیرد بلکه بموجب ودیعه بی نظیر آفرینش که به انسان سپرده شده ، انسان موجود مختاری است که باید مفهوم حیات روحانی خود را بخوبی درک نموده راه و روش این سیر و سلوک را برای خود برگزیند . و در زندگی بکار گیرد .

ادیان الهی پیوسته کوشیده‌اند واقعیت دوگانه انسان را به آدمی بنمایانند و او را در این سلوک معنوی و روحانی یاری رسانند . ره آورد هدایتهای الهی ارائه الگوهای اندیشه و عمل برای حیات جسمانی، انسانی و روحانی انسان است . ما در این درس به معرفی الگوهای رفتاری برای اعتلای حیات انسان در ابعاد جسمانی، انسانی و روحانی نپرداخته‌ایم زیرا اطمینان داریم با درک عمیق مفهوم حیات روحانی و نقش حیات بهائی در این سلوک عارفانه شما خود درصدد کسب الگوهای رفتار بهائی برخواهید آمد بنا بر این هدف این درس را بدینصورت برگزیده‌ایم :

الف ـ هدفهای آموزشی* :

شما در پایان این درس :

۱ ـ مفهوم حیات روحانی و هدف از حیات انسان را بازگو می کنید .

۲ ـ مفهوم سیر و سلوک روحانی و معنوی انسان را بر اساس موازین الهی توضیح می دهید .

۳ ـ روش سلوک روحانی بشر و شروط آن را بیان می کنید .

۴ ـ توانائیهای انسان و ابزار لازم و ضروری برای سلوک روحانی را توضیح می دهید .

۵ ـ موانع سلوک روحانی انسان را تشخیص داده راه مقابله با هر یک را بیان می‌کنید .

---

* هدفهای آموزشی : انتظاری است که در پایان این درس از دانشجو وجود دارد بعبارت دیگر دانشجو در پایان ترم باید به اهداف آموزشی رسیده باشد و امتحان و ارزشیابی درس بر مبنای همین اهداف صورت می گیرد .

۶ ـ تأثیر روحانیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان را توضیح می دهید.

۷ ـ لزوم و ضرورت استمرار هدایت الهی در جریان تعالی روحانی انسان را شرح وبسط می دهید.

۸ ـ ارتباط زندگی اجتماعی و حیات فردی انسان را با حیات روحانی او توضیح می دهید.

منابع درس :

منبع اصلی : جزوه " مفهوم حیات روحانی " اثر " دکتر ویلیام هاجر" ترجمه دکتر " مینو ثابت " کتاب درسی شماست. این رساله که حاصل تحقیقات و مطالعات دکتر هاجر یکی از اساتید مجرب بهائی و حاصل تجربه تدریس و آموزش اوست در سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی در کانادا انتشار یافته است و ترجمه آن بعنوان کتاب درسی در اختیار شما قرار گرفته است. این اثر هر چند فشرده و حاوی مباحث اصلی و اساسی در اصول اعتقادی و روش زندگی اجتماعی بهائی است ولی بلحاظ نظم و ترتیب و منطق و استدلال قوی و ساده حاکم بر آن و نیز ترجمه سلیس و روان ، متنی کاملاً قابل استفاده ومناسب است و اطمینان داریم شما از آن بهره کافی خواهید برد.

روش مطالعه :

برای مطالعه این درس روش مطالعه دقیق و تجسسی را پیشنهاد می نماییم بدین منظور مراحل زیر را به ترتیب طی کنید :

نیم ترم اول :

قدم اول :

مطالعهٔ اجمالی : فهرست موضوعی جزوه را از نظر بگذرانید تا بوسیله عناوین اصلی و فرعی مندرج در فهرست با محتوای جزوه آشنا شوید سپس جزوه را ورق بزنید عناوین را ببینید و درحد توان نگاهی به موضوع هر مبحث بیندازید بعضی از پاراگرافها یا عناوین را بنحو اجمالی و سریع بخوانید. مطالعه اجمالی انگیزه و علاقه شما را برای مطالعه جزوه تقویت می کند و جهت مطالعه دقیق و تجسسی آمادگی بیشتری بدست خواهید آورد.

قدم دوم :

مرحله بعدی فراگرفتن روخوانی صحیح متن است بدین منظور هر پاراگراف را یک بار به دقت بخوانید و لغات و اصطلاحات دشوار و اعلام را با مداد علامت بزنید و با مراجعه به لغت نامه یا فرهنگ معتبری که در دسترس دارید معانی مناسب را یافته کنار آن بنویسید همچنین نصوص مبارکه و آیات عربی را علامت بزنید و آنها را برای خود معنی کنید. و معانی آن را در حاشیه جزوه خود بنویسید.

پس از مطالعه یک یا چند پاراگراف به تناسب پیوستگی مطلب روخوانی را متوقف نموده در باره مطالب و مفاهیم موجود در متن تفکر کنید.

قدم سوم :

سپس به سوءالاتی که در پایان جزوه درسی آمده پاسخ دهید. این سوءالات برای تعمیق مطالعه شماست و همچنین به شما کمک خواهد کرد تا آموخته‌های خود را بسنجید بنا بر این بهتر است بدون مراجعه به متن ، پاسخ هر سوءال را برای خود بنویسید و سپس به جزوه رجوع نموده صحت پاسخ خود را ارزیابی کنید. مقایسه جوابهایتان با جواب های سایر دانشجویان و همدرسان هم کمک موءثری در یادگیری شما می نماید. بدین ترتیب با مطالعه دقیق و تفکر عمیق پیرامون هر قسمت آن را بخوبی فراگیرید و به پاراگرافهای بعدی بپردازید.

قدم چهارم:

هر روز که طبق جدول زمانبندی (صفحه ۲) مطالعه خود را دوباره آغاز می کنید از ابتدا نگاهی به مطالب جزوه و حاشیه‌نویسی های آن بیندازید و در صورتی که کشش و جاذبه کافی در شما وجود دارد به سوءالات قسمتهای قبلی رجوع کرده یکبار به آنها پاسخ دهید و هر جا دچار شک و تردید شدید به متن اصلی رجوع کنید و آنگاه مطالعه خود را ادامه دهید. بدین ترتیب در اثر مطالعه صحیح و دقیق متن و پاسخگوئی به سوءالات و تکرار و تمرین ، مطالب را بخوبی فراخواهید گرفت.

توضیح مهم:

شما باید برای یک درس ۲ واحدی هفته‌ای ۶ ساعت یا روزی یک ساعت مرتباً منظماً وقت صرف کنید بدین لحاظ برای ۸ هفته (نیم ترم اول) مطالعه کل جزوه را درنظرگرفته‌ایم. و هفته‌های هفتم و هشتم را به مرور و دوره‌درس اختصاص داده‌ایم.

قدم پنجم:

یکبار دیگر متن جزوه را مرور کنید. به سوءالات انتهای جزوه پاسخ دهید و پاسخ خود را با متن مقایسه نمایید و اشتباهات خود را یافته اصلاح کنید.

در این مقطع شما آماده شرکت در امتحان میان ترم هستید. برایتان آرزوی موفقیت داریم.

نیم ترم دوم:

برای نیم‌ترم‌دوم انجام دو تکلیف را در نظر گرفته‌ایم که شرح آن در قسمت ارزشیابی خواهد آمد.

ارزشیابی :

ارزشیابی این درس شامل امتحان میان ترم امتحان پایان ترم و دو تکلیف است .

امتحان میان ترم: این امتحان طبق جدول زمانبندی در مقطع هفته نهم انجام می شود و از تمام متن جزوه درسی خواهد بود .

سوءالات امتحانی از بین سوءالات ضمیمه راهنما و سوءالات دیگری بهمین سبک خواهد بود .

امتحان میان ترم ۲۵ نمره دارد .

امتحان پایان ترم: این امتحان نیز طبق جدول زمانبندی از متن جزوه درسی خواهد بود سوءالات امتحان پایان ترم می توانند با توجه به فهرست موضوعی که آموخته‌اید بصورت ارتباط دادن مطالب پراکنده در سطح جزوه باشد . مثلاً ممکن است برای پاسخگوئی به یک سوءال لازم باشد مفاهیم و مطالبی را که در چند جای مختلف جزوه آمده به هم مربوط نمایید .

امتحان پایان ترم ۳۵ نمره دارد .

تکالیف :

برای نیم‌ترم دوم انجام دو تکلیف را درنظر گرفته‌ایم هر دو تکلیف را فردی انجام دهید .

تکلیف اول : این تکلیف برای تعمیق یادگیری متن درس شماست و ۱۵ نمره دارد .

تجزیه موضوعات مهم: در این مرحله درنظر داریم یک تجزیه موضوعی ساده را به شما بیاموزیم . تجزیه موضوعی، یادگیری شما را عمیق تر و پایدارتر خواهد ساخت .

چنانچه قبلاً روش فیش برداری و تجزیه موضوعی را نیاموخته‌اید اینطور عمل کنید :

متن جزوه را یکبار به نیت عنوان گذاری* بخوانید و در بارهٔ هر جمله یا پاراگراف یا مطلبی که بتوانید آن را حاوی نکته خاص یا مهمی بدانید فکر کنید و به آن مطلب عنوان مناسبی بدهید (یعنی بگویید این مطلب در باره چیست) و این عنوان را در حاشیه جزوه بنویسید . این عمل را از صفحه ۷۸ ـ ۱۰ جزوه انجام دهید سپس لیستی از عناوین با ذکر صفحه مربوط و سطر با پاراگراف آن تهیه کنید . البته در آینده تجزیه موضوعی دقیق تری خواهید آموخت ولی فعلاً به همین حد اکتفا می شود .لطفا به نمونهٔ پیوست توجه و طبق آن عمل نمایید . این فهرست موضوعی را در پایان هفته سیزدهم

* برای انجام تکالیف از هیأتهای علمی محلی ـ مطلعین یا دانشجویانی که دروس روشهای مطالعه وتحقیق را گذرانده‌اند کمک بگیرید .درفهرست موضوعی عناوینی را که انتخاب کرده‌اید نقدوبررسی بیشترکنیدشما می توانیدبه‌هرپاراگراف یک عنوان بدهید وخودرا موظف به‌تعیین عناوین جزئی تر نکنید .

تحویل معارف محل نمایید.

توجه: تکلیف را بر روی کاغذ A_4 بنویسید.

نمونه برای تکلیف اول:

برای نمونه، مقدمهٔ جزوهٔ مفهوم حیات روحانی را تجزیه موضوعی نموده‌ایم فراموش نکنید این یک تجزیه ساده و بر اساس موضوعات مهم صفحات ۱۰ ـ ۵ جزوه است: شما باید کل جزوه را بهمین صورت عنوان گذاری نموده فهرست عناوین را ارسال دارید:

فهرست موضوعات مهم مقدمه:

- فلسفه نجات و رستگاری (ص* ۵ و ص ۶ پاراگراف اول)
- حقیقت روحانی و اختلاف نظر ادیان در باره آن (ص ۶ ـ پاراگراف اول)
- تفاوت برخورد علم و دین با تغییرات جامعه (ص ۶ پاراگراف دوم)
- علل روگردانی مردم جوامع پیشرفته از دین (ص ۶ پاراگراف آخر و ص ۷ پاراگراف اول و دوم)
- نظر دیانت بهائی در باره جزم و قطع در مسائل روحانی (ص ۷ پاراگراف آخر و ص ۸ پاراگراف اول)
- مبدأ ادیان و علت اختلاف تعالیم آنها از منظر بهائی (ص ۸ پاراگراف آخر)
- تعالیم ادیان پیشین برای بشر امروز کافی نیست (ص ۹ پاراگراف دوم)
- هدف از تدوین رساله مفهوم حیات روحانی (ص ۱۰ پاراگراف آخر)

تکلیف دوم: این تکلیف ۲۰ نمره دارد.

هدف از انجام این تکلیف آنست که به الگوهای اندیشه و عمل بهائی یا دستورالعملهای حیات بهائی توجه نمایید و با توجه به آنچه در این درس آموخته‌اید اهمیت عمل به موجب تعالیم را در ذهن و روح خود جایگزین کنید و مصادیق اجرای تعالیم الهی را بیابید. در این مرحله گذری به زندگی یکی از هیاکل مقدسه امر الهی (حضرت اعلی ـ حضرت بهاءالله ـ حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله) و یا هر یک از مؤمنین امر نمایید و ۵ نمونه عملی از اجرای تعالیم الهی را استخراج نموده برای ما بنویسید بدین ترتیب:

۱ ـ مفاهیم را انتخاب کنید: منظورمان از مفاهیم، دستورالعملهای حیات بهائی یا تعالیم اخلاقی و روحانی امر است. شما می توانید از متن جزوه درسی، از تلو کلمات مبارکه مکنونه و یا هر کتاب و منبع دیگر این تعالیم و مفاهیم را بیابید و انتخاب کنید. (مثلاً صدق و راستی ـ محبت ـ استقامت ـ وفا ـ وحدت و یگانگی ـ اجتناب از غیبت

ص = صفحه

و ...) البته فقط ۵ مورد کافیست. «به املاهیم مراجعه شود»

۲ ـ مصادیق را بیابید : یکی از شخصیت‌های مذکور و منبع مطالعه مربوطه را انتخاب کنید و آن را مرور نمایید برای هر عنوان یک نمونه عینی و عملی از اجرای آن تعلیم را یافته عیناً نقل کنید.

بدین منظور می توانید به کتب گوناگون تاریخ زندگی هیاکل مقدسه و یا نفوس مؤمنین امر الهی مانند مصابیح هدایت و کتب و رسالات و خاطرات و شرح احوال مانند دو جلد بدایع الاثار ـ خاطرات نه ساله عکا ـ گوهر یکتا و ... و یا مقالات موجود در نشریات گوناگون مانند آهنگ بدیع یا پیام بهائی مراجعه نمایید و نمونه‌های مناسب را یافته یادداشت کنید. هر چه نمونه‌های انتخابی شما گویاتر و مؤثرتر باشد و بخصوص چنانچه با مفاهیمی که در درس آموخته‌اید منطبق باشد تکلیف شما کیفیت بهتری خواهد داشت.

۳ ـ تنظیم و نگارش تکلیف تا اینجا پنج عنوان حیات بهائی را انتخاب کرده‌اید. و پنج ماجرا یا نمونه عملی نیز در زندگی شخصیتی که انتخاب نموده‌اید یافته‌اید برای تنظیم تکلیف عنوان را نوشته ماجرا را ذیل آن بنگارید و مأخذ نمونه خود را نیز بدقت قید نمایید. و سپس توضیحی درباره شخصیت انتخابی خود و یا ربط آن به مفهوم حیات روحانی مختصراً بنویسید.

یادآوری: مفاهیم: ۵ عنوان متفاوت و گوناگون است.

مصادیق : ۵ نمونه، خاطره یا نمونه عملی در باره مفهوم انتخابی است و می توانند در باره یک شخصیت باشد.

با استفاده از کاغذ کاربن سوادی از تکلیف برای خود نگهدارید و در پایان هفته شانزدهم نسخه اول را تحویل معارف محل نمایید.

نمونه برای تکلیف دوم :

مفهوم (عنوان):

شخصیت انتخابی : جناب ابوالفضائل گلپایگانی

توضیح در باره شخصیت جناب ابوالفضائل* :

جناب ابوالفضائل گلپایگانی را همه می شناسیم او دانشمند فاضل ، مبلّغ و معلم عالیقدر و نویسنده شهیر و بنام بهائی است که به حضور حضرت بهاء الله وحضرت عبدالبهاء مشرف گردیده مورد عشق و محبت بی کران حق بوده است. حضرت بهاء الله در

* مطالب تماماً برگرفته از پیام بهائی نشریه مخصوص جناب ابوالفضائل گلپایگانی

باره او می فرمایند " در جمیع احوال در سجن اعظم از قلم و لسان مالک قدم مذکور بوده و هستی". حضرت عبدالبهاء در حق ایشان می فرمایند: " دمی نیست که یاد دت ننمایم و پیامت نطلبم" و در جای دیگر فرموده اند: " او عبارت از نفس منست " و همچنین فرموده اند: " افراد احباء باید در زندگی او را مثل اعلای خود قرار دهند."

توضیح در باره باور و اعتقاد جناب ابوالفضائل به حفظ وحدت و روش ایشان: (۱)

" جناب ابوالفضائل علل انشعاب ادیان قبل را تمام و کمال می دانست بدین سبب از ملاحظه زمینه مجادله و سرانجام نامطلوب آن یعنی پیدایش اختلافات در بین پیروان خوف و هراس داشت. از گذشته چون حال به نیکی مطلع بود لهذا در برخی مواقع حکمت را در آن می دانست که لب از سخن فروبندد و حرف و کلامی ننگارد. شکیبایی و بردباری پیشه می ساخت و به تلاوت آیات و الواح می پرداخت. تا بیان مرکز عهد و میثاق الهی که میزان کامل و قسطاس اعظم بود صادر گردد و راهنمای مؤمنان و مخلصان گردد. به یکی از دوستان چنین حکیمانه و آموزنده نوشت:

" فدوی امروز نظر به اینکه توجه و اراده حق جل ذکره و عز اسمه به اتحاد قلوب احباب و اتفاق امور دوستان است بساط مباحث علمیه را برچیده و دفتر حل و ایضاح را فروپیچیده... در مجالس و محافل در اینگونه مسائل تکلمی ننمود و لب به حل مسأله‌ای از این قبیل نگشود و هر کس به هر چه گفت به سکوت و مسالمت و تسلیم او همراهی شد و موافقت با دوستان را بر هر چیز مقدم شمرد..."

مصداق: (۲)

در اینجا به ذکر یک خاطره که گویای روش و سلوک حضرت ایشان است می پردازیم: " حضرت عبدالبهاء لوحی به افتخار فروغی نازل فرمودند که (دیدنی از کنعانیان مصر بفرمایید.) لهذا جناب فروغی از اسکندریه به مصر شتافت و احباب را زیارت نمود و در اولین مجلس با شکوهی که در منزل حاجی میرزا حسن منعقد و به وجود احباب و حضرت ابوالفضائل آراسته شد جناب فروغی رشته سخن را بدست گرفته وبیاناتش اثبات مرکز عهد و ابطال ناقضان پیمان بود و چون خیلی بی پرده صحبت می کرد حضرت ابوالفضائل درصدد برآمدند به او بفهمانند که پرده‌دری دور از روش حکمت است ولی جناب فروغی از این تذکر برآشفت و گفت هنوز در میدان سخن سرائی اسب من از جولان

(۱) نقل از مقاله حضرت عبدالبهاء ومیرزا ابوالفضائل بقلم دکتر عزت الله جزایری ـ پیام بهائی شماره مخصوص جناب ابوالفضائل گلپایگانی ص ۲۱

(۲) نقل از کتاب خاطرات جناب ابوالفضائل گلپایگانی ص ۲۳۳

بازنمانده که بگویم یا ابوالفضائل ادرکنی گذشته از این مگر نمی دانید که حضرت عبدالبهاء در لوح من فرموده‌اند "کن قائد هذالجیش العرمرم" حضرت ابوالفضائل چون نام لوح و عبارت آن را شنید به کمال خضوع از جای برخاست و به جناب فروغی نزدیک شد و گفت اول کسی که زانوی این سردار را ببوسد منم. جناب فروغی هم برپای خاست و آن دانشمند ارجمند را در آغوش کشید و هر دو بکمال محبت روی یکدیگر را بوسیدند."

اصطلاحات

مادیون Materialists

مادی کسی است که قائل به نیروی مافوق طبیعت و خدای عالم نبوده و جهان و حوادث آن را منسوب به ماده کند و مادیون جمع آنست و بالاخره پیروان مذهب مادی که مادیون گویند، همواره امور عالم را به ماده و جسمانیات و قوای جسمانی منتسب کرده و معانی روحی و باطنی را کنار گذارده‌اند. فرهنگ علوم عقلی

طبیعیون Agnostics

فلاسفه‌ای که معتقدند در عالم بجز موجودات طبیعی چیز دیگری وجود ندارد و وجود عالمی را که فوق طبیعت یا ماوراء طبیعت باشد منکر هستند. این عقیده فلسفی را فلسفه اصالت طبیعت یا ناتورالیسم نامند... طبیعیون برای عالم هیچ علت غائی و علت فاعلی جز طبیعت نمی شناسند و وجود انسان را مانند موجودات دیگر در نتیجه حوادث طبیعی می دانند و بر خلاف گفته بسیاری از حکما و ارباب ادیان، وجود انسان را غایت و غرض از آفرینش موجودات نمی دانند. حیات عقلانی وجسمانی ومعنوی و اخلاقی انسان مانند دیگر اشیاء، امور و حوادث طبیعی هستند و فعالیتها وتکالیف و ارزشهای اخلاقی انسان نیز بر پایه امور طبیعی استوار است نه بر الزامات وتکالیف و اوامر و نواهی فوق طبیعی. پس اعمال انسان معلول عوامل طبیعت است و آزادی و اختیار و یا جبر به معنی مشیت و قضا و قدر وجود ندارد و آنچه هست باید بر پایه جبر علی علمی توضیح داده شود. دایرة المعارف فارسی مصاحب جلد ۲

منکرین (الحاد) Atheist

الحاد در لغت به معنی انحراف از حد وسط و عدول و بازگشت از چیزی است. الحاد در دین به معنی بازگشت از آن و سرکشی کردن در آن است... ملحد یعنی از حق برگشته و کسی که امر ناحقی را به حق نسبت دهد. ملاحده طایفه‌ای از فیلسوفانند که به فیلسوفان دهری معروف‌اند. دهریان به ترک عادات معتقدند زیرا در آن فایده‌ای نمی بینند. فرهنگ فلسفی

خفیات مستوره انفسیه

اشاره به آیه قرآن است که فرموده‌اند "سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق "... یکی از طرق فوز به عرفان رب مجید، عرفان نفس است و انسان اگر نفس خود را مورد تامل و دقت قرار دهد تا اندازه‌ای که برای او ممکن است می تواند به عرفان پروردگار پی ببرد... انسان هرقدر تفکر کند به کنه ذات نفس و حقیقت جان و روح خود نمی تواند پی ببرد که چگونه است ولی از دقت در آثار

تا حدی به صفات مندرجه در نفس و حقیقت خود می تواند آشنا شود و این خود دلیلی است که انسان به کنه ذات حق تعالی که غیب منیع لایدرک است هرگز آگاه نمی شود.

قاموس ایقان جلد ۲ صص ۶۰ ـ ۶۵۹

آفاق و انفس (آیات واضحه آفاقیه)

در اصطلاح فلسفی و عرفانی آفاق به معنای عالم محسوس است در مقابل انفس که به معنای عالم غیرمحسوس و مجرد از ماده است. هر موجودی در این جهان به افصح بیان و به لسان وجدان و حقیقت اقرار و اعتراف به وجود صانع مقتدر قیوم می نماید و صاحب نظران را در حد چیزی قدرت حق را مشاهده می کنند.

قاموس ایقان جلد ۱ ص ۱۰

الوهیت

مقصود ذات غیب منیع لایدرک است که مستجمع جمیع صفات کمالیه است و مظاهر مقدسه الهیه قائم مقام آن ذات مقدس در عالم امر و خلق هستند. ادراک حقیقت الوهیت برای احدی در عالم ممکن نبوده و نیست. جمال مبارک می فرمایند:

" حمد مقدس از عرفان ممکنات و منزه از ادراک مدرکات ملیک عز بی مثالی را سزاست که لم یزل مقدس از ذکر دون خود بوده و لایزال متعالی از وصف ماسوی خواهد بود..."

ربوبیت

در اصطلاح امر مبارک مقام مظاهر مقدسه الهیه است که به امر ذات مطلق به تربیت عباد قیام می فرمایند و در احادیث اسلامی شیعه هم هست که در تفسیر آیه " واشرقت الارض بنور ربها " فرموده اند، " رب الارض امام الارض ".

قاموس ایقان جلد ۲

فلسفه تحصلی / تحققی/ اثبات گرایانه Positivism

پوزتیویسم یا تحققی مذهب هرگونه مذهب فلسفی که مابعدالطبیعه را رد می کند وعلم بشری را منحصراً مبتنی به تجارب حسی و علوم تحققی می داند این اصطلاح بالاخص به تعالیم آگست کنت اطلاق می شود. دائرة المعارف مصاحب جلد ۱

ریاضت

عمل رنج و تعب برای تهذیب نفس و تربیت خود یا دیگری ـ گوشه‌نشینی توام با عبادت

فرهنگ معین

نفس ناطقه = روح انسانی

" روح انسانی که مابه‌الامتیاز انسان از حیوان است، همان نفس ناطقه است... محیط

بر کائنات سائره است و بقدر استطاعت بشریه اکتشاف حقایق اشیاء نماید و بر خواص و تاثیر ممکنات و کیفیت و خصائص موجودات اطلاع یابد ."

مفاوضات صفحه ۱۵۹

ذات

به معنی اصل شئی است در مقابل صفت . نزد صوفیه نیز گاه مقابل اسم و اسماء بکار می رود که مراد از آن حقیقت حق است ، در مقابل اسماء حق که حجاب و نقاب وجود حق است .

دایره المعارف مصاحب جلد ۱

صفت

در اصطلاح اهل فلسفه صفت حالت خاصی است که طبیعت شئی را محدود می کند .

فرهنگ فلسفی

عین الیقین

در اصطلاح عرفا مشاهده معلوم است مانند اینکه آتش را به چشم خود مشاهده کنیم و بوجود آن پی بریم .

نوزده هزار لغت

علم الیقین

در اصطلاح عرفا در یافتن معلوم است با استدلال نقلی مانند اینکه بدانیم و علم داشته باشیم که آتش هست که در آن نور آن اشیاء اطراف خود را مشاهده می کنیم ولی خود آتش یا منبع نور را ندیده باشیم .

نوزده هزار لغت

حق الیقین

در اصطلاح عرفا مقام وصول به حقیقت است مثلا در مورد شناختن آتش که به دانستن و یا دیدن اکتفا نشود بلکه به آتش رسیده ، در آن بسوزیم و جزو آن گردیم .

نوزده هزار لغت

نورالیقین

در اصطلاح عرفا ظهور حقیقت است بدون پرده و حجاب و اگر ظهور حقیقت از پشت پرده و حجاب باشد آن را نور ایمان گویند .

نوزده هزار لغت

تحققی

فلسفه‌ای مبتنی بر امور ثابته . در لسان فلسفه اصطلاح تحققی در دو معنی عام و خاص اطلاق می شود :

۱ ــ معنی عام ، معنی عام این کلمه به عصر تجربه می رسد به عصری که به هیچوجه تفکر ماوراء الطبیعی مورد توجه قرار نمی گیرد . فلسفه تحققی به این معنی قابل انطباق بر همه افکار فیلسوفان تجربی است البته با غمض و توسعی در کلام ، چه جان

لاک و دیوید هیوم بزرگان اصحاب تجربه ـ قائل به مباحث ریاضی بوده‌اند و جـــــرج بارکلی توجه به خدا و روح داشته است که در زمینه‌های تجربی قابل ورود نیستند...

۲ ـ معنی خاص، اصطلاح تحققی بدین معنی مبین فلسفه اگوست کنت است. کنت قایل بود که تفکر بشر از مرحله ربانی حرکت کرده و با گذشت از مرحله ماوراءالطبیعی فعـــلاً وارد مرحله علمی یا تحققی شده است و آنچه امروز بشر به آن رسیده حجیّت و اهمیـــت دارد. او ضمناً می گفت که انگیزه‌های مذهبی در بشر همواره موجب احیاء آن فســـادی می شود که بر اثر ادیان پیغمبران برای بشر بوجود آمده است لذا او دین انســـانی خود را اعلام کرد و برای آن دبیر و تقویم و نظاماتی تاسیس نمود...

لغت نامه دهخدا جلد ۴ صفحه ۵۶۷۱

ذات

تأنیث ذو، صاحب، مالک، دارا، خداوند... مؤلف آنندراج آرَد. ذات: بالفتح بمعنی صاحب و خداوند و به معنی هستی و حقیقت هر چیز و نفس هر شیئ. و مؤنث ذو. و در اصطلاح سالکان ذات را به اعتبار جمیع صفات واحد گویند و هستی حق تبـــارک و تعالی پیداتر از هستیها است که او بخود پیداست و پیدایی هستیها بدوست که: الله نور السموات و الارض... لغت نامه دهخدا جلد ۷ صفحه ۱۰۰۷۹

ذات

نفس و عین و جوهر و حقیقت چیزی ـ واقعیت (مؤنث ذو به معنی صاحب) (جمع ذوات) (فی ذاته لذاته بذاته: در آثار فلسفی و عرفانی یعنی توجه به خارج و عارض بـــه استناد بذاتش و نسبت بذاتش. شش هزار لغت صفحه ۱۸۰

* در این قسمت بعضی موارد استخراج شده ضمیمه است عزیزان دانشجو با توجه به متـــن می توانند از کاربردهای مختلف اصطلاحات مطلع بوده معنی مناسب را برگزینند و از فرهنگهای مختلف استفاده نمایند تا بیشترین استفاده را از جزوه داشته باشند.

سوءالات جزوه "مفهوم حیات روحانی"

۱ ـ به چه علت انسان باید تحت قاعده و انضباط فردی قرار گیرد؟ ص ۵

۲ ـ فلسفه ریاضت در راه رستگاری که ساخته پیشوایان ادیان الهی است را توضیح دهید؟ ص ۵

۳ ـ آیا در عالم اصولی که متکی بر حقایق روحانی باشد وجود دارد؟ آیا این امر مورد توافق همه ادیان است؟ ص ۶

۴ ـ اختلاف نظر اساسی ادیان در باره چگونگی اصول روحانی انسان را توضیح دهید؟ ص ۶

۵ ـ چرا راهها و روشهای ادیان قبل برای ارتباط انسان با حقایق روحانی متعالی کفایت نمی کند؟ ص ۶

۶ ـ روش برخورد علم با تغییرات جامعه و نیازهای متحول جماعات بشری را با نگرش به ادیان عتیقه مقایسه کنید؟ ص ۶

۷ ـ چرا با وجود آنکه بشر ذاتاً نیازمند برقرار نمودن رابطه با حقایق برتر روحانی است ادیان عتیقه از ارضاء نیازهای روحانی او عاجزند؟ ص ۷

۸ ـ منشاء اصلی تضاد و تعارضی که دنیای امروز را فراگرفته و علم در خدمت بشر قرار نگرفته و ادیان گذشته نیز بی معنی و نامربوط جلوه می نماید چیست؟ ص ۷

۹ ـ به چه دلیل دیانت بهائی جزم و قطع و عدم دلیل و منطق در مسائل روحانی را نمی پذیرد و این امر با کدامیک از تعالیم الهی قابل توجیه است؟ ص ۸

۱۰ ـ حقیقت علم و حقیقت دین و مشابهت و توافق آنها را توضیح دهید. ص ۸

۱۱ ـ آیا می توان از طریق عملی برای روحانیات روابط قابل توضیح و قابل اثبات قائل شد؟ با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۸

۱۲ ـ علل تفاوت بین تعالیم ادیان الهی چیست؟ دو علت را با ذکر مثال بنویسید. ص ۸

۱۳ ـ پیام اصلی ادیان الهی امری روحانی است یا اجتماعی؟ ص ۸

۱۴ ـ این نظریه را که "هیچ نظام ثابتی برای نوع انسان ابدی نتواند بود" براساس یکی از تعالیم الهی توضیح و تشریح نمایید. ص ۹

۱۵ ـ توضیح دهید چگونه وارد ساختن افکار نادرست و عقاید جزمی و خشک بشری به‌جای مفاهیم نسبی و متعالی روحانی، انسان را در چهارچوب گذشته محبوس و مقید می سازد؟ ص ۹

۱۶ ـ توضیح دهید که دیانت بهائی به چه دلیل حاوی مفاهیم عالی تر وعمیق تر روحانی

است (با توجه به اصل استمرار ظهورات الهیه) ص ۹

۱۷ ـ طبیعت و سرشت دوگانه انسان را نام برده مبداء و منشاء هر یک را شرح دهید. ص ۱۱

۱۸ ـ قوای جسمانی و قوای روحانی انسان را با مثال تشریح نمایید. ص ۱۱

۱۹ ـ فعل و انفعالاتی که سبب ایجاد صفات اختصاصی منحصر بفرد انسان می شود توضیح دهید. ص ۱۱

۲۰ ـ مهمترین قوای روحانی(قابلیت های روح) انسان را نام ببرید. ص ۱۱

۲۱ ـ آیا شرایط محیطی در روح انسان موءثر است؟ مثال بزنید. ص ۱۲

۲۲ ـ سه جنبه اصلی صفات انسان را نام ببرید. ص ۱۲

۲۳ ـ اخلاق فطری ارثی و اکتسابی هر یک به کدامیک از صفات اصلی انسان مربوط است؟ ص ۱۲

۲۴ ـ آیا بیماریهای روح نیز مانند جسم سرایت دارد؟ ص ۱۲

۲۵ ـ آیا می توان اظهار نمود که درجات مختلف اخلاقی منحصر در عوامل ارثی یا استعدادهای روحی است؟ توضیح دهید. ص ۱۳

۲۶ ـ نقش تربیت را در ترکیب استعدادهای توارثی و محیطی توضیح دهید. ص ۱۳

۲۷ ـ با توجه به استعدادهای بالقوه انسان توضیح دهید که چگونه زندگی،دوره ای برای تکامل بشمار می رود؟ ص ۱۳

۲۸ ـ بر طبق معتقدات بهائی عالیترین هدف ممکن برای زندگی انسان چیست؟ ص ۱۳

۲۹ ـ به کدام دلیل عالیترین هدف زندگی از منظر بهائی پرورش قوای نهفته در روح است نه جسم ؟ ص ۱۳

۳۰ ـ وجه اصلی تمایز قوای روحانی و قوای جسمانی چیست؟ توضیح دهید. ص ۱۴

۳۱ ـ به چه دلیل سلامتی و تکامل جسم، نباید از نظر دور بماند؟ ص ۱۴

۳۲ ـ روحانیت را تعریف کنید. ص ۱۴

۳۳ ـ با توجه به تعریف روحانیت ، عدم روحانیت را توصیف نمایید. ص ۱۴

۳۴ ـ با توجه به اعتقاد بهائیان به سرشت روحانی انسان و هدف اصلی حیات ، اخلاق را تعریف کرده ، توضیح دهید که اخلاق در دیانت بهائی به چه مفهومی است ؟ص ۱۴

۳۵ ـ مفهوم و مأخذ قوانین و تعالیم اخلاقی دیانت بهائی را شرح دهید. ص ۱۵

۳۶ ـ آیا همه تأثیرات محیطی و کلیه واکنشهای انسان در مقابل این تأثیرات در جهت رشد و اعتلای روحانی انسان موءثر است؟ ص ۱۵

۳۷ ـ در تمام مدت حیات انسان کشمکش بین قوای مخالف و متناقض در وجود او جریان

دارد. این کشمکش بین کدام قوا و حاصل چه خصوصیتی در وجود انسان است؟ ص ۱۵

۳۸ ـ چگونه انسان می تواند در پی تأمین نیازهای جسمانی خود به فردی متجاوز و مهاجم و بی اعتنا نسبت به حقوق دیگران تبدیل شود؟ ص ۱۵

۳۹ ـ نیازهای ملموس و نیازهای غیرملموس انسان را شرح داده مثال بزنید. ص ۱۵

۴۰ ـ تأثیر روحانیت در زندگی اجتماعی چیست؟ ص ۱۶

۴۱ ـ تفاوت منطق و استدلال دیانت بهائی در خصوص دوگانگی وجود انسان با ادیان سالفه را توضیح دهید. ص ۱۶

۴۲ ـ اعتقاد دیانت بهائی را در باره خیر و شر و منشاء هر یک بنویسید. ص ۱۶

۴۳ ـ اعتقاد دیانت بهائی در خیر و شر را امری نسبی می داند در قضاوت بر رفتار انسان چه تأثیری دارد؟ ص ۱۷

۴۴ ـ بر اساس اعتقاد بر نسبی بودن مفهوم خیر و شر این اصل را توضیح دهید که هیچ فردی نمی تواند در باره رفتار و اعمال دیگری قضاوت نماید؟ ص ۱۷

۴۵ ـ توضیح دهید که به چه علت فقط خداوند قادر است در باره اعمال و رفتار و مسوءولیت انسانها قضاوت کند؟ ص ۴۷

۴۶ ـ توضیح دهید چگونه بعضی صفات ذاتی انسان مانند خشم یا حرص می تواند خوب یا بد (مفهوم نسبی و اعتباری) باشد. ص ۱۷

۴۷ ـ اخلاق فطریه انسان چگونه مذموم می گردد؟ ص ۱۸

۴۸ ـ در چه صورت قوای جسمانی و قوای روحانی می تواند ممدوح یا مذموم باشد؟ص ۱۸

۴۹ ـ به فرموده حضرت عبدالبهاء چگونه استعدادهای جسمانی می تواند در راه رشد روحی بکار روند؟ ص ۱۸

۵۰ ـ چرا تأمین نیازهای مادی و جسمانی انسان پیوسته باید کنترل شده تحت انضباط درآید؟ ص ۱۸

۵۱ ـ چرا دیانت بهائی با ریاضت به معنای سرکوب نیازهای جسمانی موافق نیست؟ص ۱۸

۵۲ ـ اهمیت انضباط شدید برای استعدادها و قوای جسمانی از چه روست توضیح دهید؟ ص ۱۸

۵۳ ـ با آنکه جسم وسیله‌ای است در خدمت روح، کشمکش دائمی قوای جسمانی و روحانی چگونه وسیله اعتلای روحانی انسان را فراهم می آورد؟ ص ۱۹

۵۴ ـ اگر کشمکش نیروهای جسمانی و روحانی نبود و انسان از فشارهای نامطبوع درمسیر تکامل روحانی فارغ بود آیا رشد روحانی سریعتر حاصل می شد یا خیر علت چیست؟ ص ۱۹

۵۵ ـ توضیح دهید چرا خداوند خواسته است بشر در حالی که غرق در مادیات است اهداف روحانی را دنبال کند؟ ص ۱۹

۵۶ ـ انسان بواسطه کدام قوای خود می تواند در عین زندگی مادی ملموس به زندگی روحانی غیرملموس روی آورد؟ ص ۲۰

۵۷ ـ مسؤولیت فردی در حرکت از جسمانیات به سوی روحانیات چه نقشی دارد؟ ص ۲۰

۵۸ ـ اثبات کنید که نامحسوس بودن حقایق روحانی تصادفی نبوده بلکه مقصدی معین دارد و آن مقصد را تشریح نمایید. ص ۲۱

۵۹ ـ ثابت کنید همانگونه که جهت تأمین نیازهای مادی استعداد و لوازم آن به انسان عطا شده برای تحقق اهداف روحانی حیات نیز قوا و استعدادهای لازم را دارا می باشد. ص ۲۱

۶۰ ـ اثبات کنید چگونه در اثر قانون تأثیر و تأثر، انسان به دریافتهای ناملموس روحانی فائز می شود؟ ص ۲۲

۶۱ ـ توضیح دهید چگونه تجربه حسی عالم روحانی نامرئی به یک تجربه واقعی و حتی مسلم‌تر از حوادث حیات جسمانی تبدیل می شود؟ ص ۲۲

۶۲ ـ توضیح دهید چگونه تکامل و ارتقای روحانی انسان او را برای پذیرش حیات ملکوتی در عوالم بعد آماده می سازد؟ ص ۲۲

۶۳ ـ با توجه به بیان مبارک مندرج در صفحه ۲۲ جزوه توضیح دهید که چگونه انسان می تواند با تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلی نماید؟ ص ۲۲

۶۴ ـ توضیح دهید چه ارتباط مستقیمی بین رشد روحانی و توسعه استعداد تعلیم‌پذیری (تعلیم و تربیت) بشر وجود دارد؟ ص ۲۳

۶۵ ـ علت عدم موفقیت فلسفه‌های مادی تعلیم و تربیت را توضیح دهید. ص ۲۳

۶۶ ـ توضیح دهید به چه علت عده معدودی از افراد بشر هدف زندگی را دریافته حیات خود را وقف روحانیات می نمایند؟ ص ۲۳

۶۷ ـ اولین شرط ترقی روحانی چیست؟ ص ۲۳

۶۸ ـ چرا شناخت حقایق روحانی دشوار است؟ ص ۲۳

۶۹ ـ مهمترین حقیقت قابل رؤیت که شناخت حقایق نامرئی روحانی را ممکن می سازد چیست؟ ص ۲۳

۷۰ ـ چرا در حالی که انسان قادر به درک ذات الهی نیست به صفات الهی روی می آورد و این صفات را از کجا می یابد؟ ص ۲۴

۷۱ ـ اثبات کنید که حقیقت روحانی در این عالم از طریق آیات و آثار مظاهر الهی

قابل درک و دستیابی است ؟ ص ۲۴

۷۲ ـ کلید موفقیت در راه ترقی روحانی انسان چیست ؟ چرا ؟ توضیح دهید . ص ۲۵

۷۳ ـ کوشش های لازم فردی برای رسیدن به معیارهای اخلاقی، فکری و عملی را که در تعالیم الهیه وجود دارد توضیح دهید و راه آن و شرایط آن را برشمارید . ص ۲۵

۷۴ ـ برای نیل به تکامل روحانی مراحلی پیش‌بینی شده است : اول باور حقایق روحانی ۲) اراده وصول به آن ۳) کوشش و مجاهده جهت به انضباط درآوردن قوای جسمانی ۴) عرفان مظاهر امر ۵) عمل به تعالیم

هر یک از مراحل فوق را توضیح دهید . ص ۲۶

۷۵ ـ با توجه به بیان مبارک " آفریننده یکتا مردم را یکسان آفریده و او را بر همهٔ آفریدگان بزرگی داده پس بلندی و پستی و بیشی و کمی بسته به کوشش اوست هر که بیشتر کوشد پیشتر رود" توضیح دهید که همه استعداد دارند ولی استعداد چه کسانی ظاهر می شود؟ ص ۲۶

۷۶ ـ با توجه به تعالیم دیانت بهائی توضیح دهید که در وجود انسان مکانیزم طبیعی عرفان الهی وجود دارد و با توجه به این اصل علت شکست تمدن مادی عصر حاضر را توضیح دهید . ص ۲۶

۷۷ ـ توضیح دهید آیا انسان می تواند به اتکاء لطف و عنایت حق از کوشش آگاهانه شخصی جهت شناسائی امر الهی دوری گزیند؟ ص ۲۶

۷۸ ـ اثبات کنید که عرفان الهی برآیند دو پدیده تأثیر و مجاهده فردی است ؟ص ۲۷

۷۹ ـ توضیح دهید که ایمان حقیقی پاسخی هوشیارانه و مشتاقانه از جانب انسان بوده؟ ص ۲۷

۸۰ ـ توضیح دهید که ترقی روحانی چیست و مراحل آن کدامند؟ ص ۲۷

۸۱ ـ در نفس انسان بدایع جود و فضل خداوند ودیعه گذاشته شده است . شناخت آن ما را به چه امری رهنمون می کند؟ ص ۲۸

۸۲ ـ بر اساس معتقدات دیانت بهائی هدف اصلی زندگی و آفرینش انسان چیست ؟ وچگونه می توان به آن دست یافت ؟ ص ۲۸

۸۳ ـ شناخت حق معادل چه امر دیگری است ؟ ص ۲۸

۸۴ ـ انضباط آگاهانه چیست و عالی ترین آن کدام است ؟ ص ۲۸

۸۵ ـ منظور از معرفت نفس چیست ؟ و چگونه می تواند برابر معرفت حق باشد؟ ص ۲۹

۸۶ ـ آیا معرفت نفس ممکن است یا خیر؟ استدلال کنید . ص ۲۹

۸۷ ـ بالاترین نوع معرفت انسان چیست ؟ ص ۲۹

۸۸ ـ با توجه به اینکه عرفان نفس انسان ممکن نیست ، استدلال کنید که معرفت خداوند غیرممکن است . ص ۲۹

۸۹ ـ میزانهای سه‌گانه شناخت را نام ببرید . آیا این میزانها کامل هستند؟ ص ۳۱

۹۰ ـ معرفت ذات و معرفت صفات را توضیح دهید . برای معرفت الهی کدام معرفت را بکار می گیریم؟ ص ۳۲

۹۱ ـ بنا بر کدام استدلال معرفت حقیقت مطلق و ذات موجودات غیرممکن است ؟ درخصوص عدم عرفان ذات الهی دلیل بیاورید و معرفت مظاهر ظهور را با چنین ملاحظاتی توصیف نمایید . ص ۳۳

۹۲ ـ به چه جهت در علم خودشناسی یا خداشناسی به ضرورت نوع جدیدی از افکار ـ احساسات و اعمال پی می بریم؟ ص ۳۴

۹۳ ـ به چه دلیل توکل و تفویض و قبول اراده الهی یک مرحله در تکامل روحانی انسان است ؟ ص ۳۴

۹۴ ـ به چه دلیل توکل و تفویض و قبول اراده الهی باید مانع از بی مسؤولیتی و احساس درماندگی بشر باشد؟ ص ۳۴

۹۵ ـ آیا وصول به معرفت الهی در ذات انسان خودبخود حاصل می شود یا مستلزم کوشش و تلاش بشری است ؟ ص ۳۵

۹۶ ـ استدلال کنید که برای وصول به یگانگی وجود باید از مراحل شعور ، اخلاقیات و روحانیات عبور کنیم و نقش هر یک چیست و توضیح دهید که آیا در هر مرحله پیشرفته می توانیم مراحل قبلی را از دست بگذرانیم؟ ص ۳۵

۹۷ ـ طالب صادق چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟ (صفات الهی) ص ۳۶

۹۸ ـ شک و ریب چه هنگام از بین می رود؟ ص ۳۷

۹۹ ـ با توجه به این اصل که کمالات انسانی نامتناهی است آیا ممکن است انسانی به مرتبه بالاتر مثلاً ربوبیت رسد؟ علت را توضیح دهید . ص ۳۸

۱۰۰ ـ با توجه به این بیان مبارک که روحانیت کم‌کم و روزبروز حاصل می گردد نقش انسان را در تحقق روحانیت بیان کنید . ص ۳۸

۱۰۱ ـ نقش صبر و انتظار در حصول روحانیت چیست ؟ ص ۳۹

۱۰۲ ـ نقش اهداف متعالی که فاقد نتایج فوری باشد در بلوغ فردی و روحانی چیست ؟ ص ۳۹

۱۰۳ ـ آیا رشد روحانی سیر جریان یکنواختی دارد . توضیح دهید . ص ۴۰

۱۰۴ ـ تأثیر محیط مادی زندگی در رشد روحانی را توضیح دهید . ص ۴۱

۱۰۵ ـ توضیح دهید به چه علت باید شخصیت ناهماهنگ خام و ناقص خود را که مولـــود محیط است عمیقاً بشناسیم و چگونه این امر میسر است (خویشتن سازی)ص ۴۲ وص ۵۰ـ۴۹

۱۰۶ ـ مشکل ترین قدم در تکامل روحانی خودشناسی و ایجاد تعادل جدید است. ایـــن امر را توضیح دهید که صعوبت آن از چه رواست و بلایا و امتحانات در خودشناسی ما چه نقشی دارند؟ ص ۴۳

۱۰۷ ـ بهترین نتیجه‌گیری از شکست در مسیر عقلانی ـ روحانی چیست؟ و در این مسیـــر دور فاسد را توضیح دهید. ص ۴۴

۱۰۸ ـ توضیح دهید به چه علت کسانی که از ظرفیتهای روحانی بیشتری بهره‌مند هستنـد به استقبال بلایا می روند؟ به چه جهت همین فرد نمی تواند عمداً برای خود سختـی و بلا فراهم آورد ؟ ص ۴۴

۱۰۹ ـ چگونه می توانیم در مواقع بلایا و شکست از ایجاد احساس گناه یا نفرت از خود جلوگیری نماییم؟ ص ۴۸

۱۱۰ ـ سلسله مراتب قوای روحانی را بنویسید و توضیح دهید. ص ۴۹

۱۱۱ ـ تصویر ذهنی چه نقشی در تکامل روحانی دارد و بروز احساسات ترس ، خشم ، عداوت ... و یا شادی و نشاط و محبت چگونه حاصل می شود؟ ص ۵۰

۱۱۲ ـ تأثیرات متقابل خودشناسی در ایجاد جرات ایمان و تشریک مساعی با دیگـــران را توضیح دهید. ص ۵۲

۱۱۳ ـ این دور یا شکل را بررسی کرده هر یک از مراحل آن را توضیح دهیدوتأثیـرات متقابل هر مرحله را بیان کنید. ص ۵۳

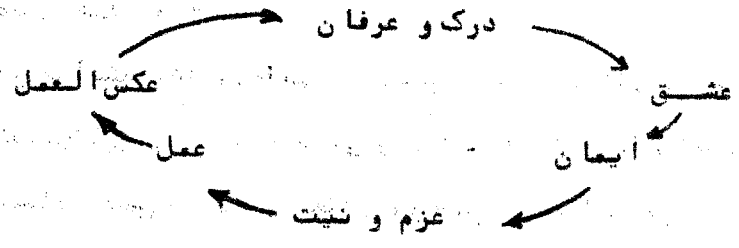

۱۱۴ ـ توضیح دهید در چه مرحله از رشد و تکامل روحانی است که لازم نمی باشد انسان سعی و کوشش نماید و آیا این امر بمعنی توقف مجاهده فردی است ؟ ص ۵۴

۱۱۵ ـ توضیح دهید که چرا جریان رشد روحانی به اضعاف مضاعف صورت می گیرد؟ ص ۵۴

۱۱۶ ـ چرا ما باید علاقمند به دانستن حقیقت در باره خودمان باشیم و از ایـــن شناخت چه نتیجه‌ای حاصل می شود؟ ص ۵۵

۱۱۷ ـ قوانین و اصول کسب کمال و پیشرفت قوای روحانی که برای همه یکسان اســـت چیست و شرایط وصول به آن که برای هر کس جنبه فردی دارد را توضیح دهید. ص ۵۵

۱۱۸ - تأثیر عبادت - تفکر و مطالعه آثار الهیه در جریان رشد روحانی چیست و ویژگیهای چنین عبادتی را برشمارید. ص ۵۶

۱۱۹ - حضرت عبدالبهاء می فرمایند: اولین قدم ایجاد عطش روحانیت است و بعد دارا شدن حیوه بهائی. برای دارا شدن این عطش چه راهی را تعیین فرموده اند؟ (طریق ایجاد حیات بهائی چیست) ص ۵۹

۱۲۰ - بهترین وسیله برای سنجش رشد و تکامل روحانی افراد چیست؟ ص ۵۹

۱۲۱ - مرحله هم‌کلامی بین بنده و مظهر ظهور الهی را توضیح داده حالات بنده را در این مرحله بیان کنید. ص ۶۰

۱۲۲ - ابعاد جمعی روحانیت را نوشته توضیح دهید. ص ۶۰

۱۲۳ - از نظر دیانت بهائی هدف روحانی یک جامعه چه باید باشد و معیار ارزشیابی اختراعات - اکتشافات - سازمانهای اداری و قوانین یک مملکت چیست؟ ص ۶۱

۱۲۴ - از نظر یک جامعه غیرروحانی هدف اجتماع بشری چیست؟ این هدف را با هدف دیانت بهائی مقایسه کنید و مثال بزنید و تأثیر متقابل اهداف روحانی و اقتصادی را در جوامع بشری بیان کنید. ص ۶۱

۱۲۵ - آیا در هنگام مطالعه اساس روحانیات می توان تأثیرات خارجی جامعه را فراموش نمود. چگونگی آن را توضیح دهید. ص ۶۲

۱۲۶ - نقش متقابل جامعه و افراد را در مسیر تعالی روحانی بنویسید. ص ۶۳

۱۲۷ - مرحله مسوءولیت پذیری و قبول خدمات امری و اجتماعی را در حلقه تکامل روحانی توضیح دهید. ص ۶۳

۱۲۸ - وحدت در فرآیند رشد روحانی چه مفهومی دارد و دارای چه تأثیراتی است و مقصود دیانت بهائی از وحدت چیست و وجه امتیاز آن کدام است؟ ص ۶۴

۱۲۹ - نقش انبیای الهی در مسیر تعالی روحانی عالم انسانی را از جنبه اصول که بین ادیان مختلف مشترک است و نیز از جنبه فروع که مابه‌الامتیاز ادیان است توضیح دهید. ص ۶۵

۱۳۰ - با توجه به آنکه عالم بشری در مرحله بحرانی بلوغ بسر می برد توضیح دهید که چگونه تعلیم وحدت و یگانگی در روابط فردی و مناسبات بین المللی، آرامش و عقل و خرد لازمه را به او خواهد بخشید. ص ۶۷

۱۳۱ - توضیح دهید که چگونه تعالیم اساسی حضرت بهاءالله سیر تکامل و تعالی روحانی جامعه را میسر می سازد و نظم بدیع جهانی را مستقر می سازد؟ ص ۶۸

۱۳۲ - همانطور که می دانیم در دیانت مسیح جریان تعالی روحانی از فرد شروع شده

دامنه آن به جامعه منتقل می شود چگونگی این سیر را در دیانت بهائی بیان نموده مقایسه کنید. ص ۶۹

۱۳۳ ـ تأثیرات نامطلوب اجتماع را که چون میراثی به ما رسیده توضیح دهید و عواملی را که مانع اتحاد حقیقی است و راه علاج آن را بازگو نمایید. ص ۶۹

۱۳۴ ـ توضیح دهید که چگونه در محیطی چنین بی اعتنا و بی تفاوت به معیارهای رشد و تعالی روحانی می توانیم انظار عالمیان را متوجه نظم بدیع حضرت بهاءالله نماییم؟ ص ۷۰

۱۳۵ ـ نقش جامعه بهائی کنونی را بعنوان هسته و الگوی جامعه جهانی بهائی که در آینده متحقق خواهد شد توضیح دهید. ص ۷۱

۱۳۶ ـ با مقایسه تضادی که بین دو روش وحدت و همکاری جامعه بهائی و رقابت و قدرت طلبی جامعه پیرامون ما است توضیح دهید که چگونه شرکت در جامعه بهائی ضامن تکامل روحانی است و روشن سازید که چرا نباید اجازه دهیم روابط مسموم دنیای غیربهائی در روابط بهائیان مؤثر افتد؟ ص ۷۲

۱۳۷ ـ وقتی فردی عضویت در جامعه بهائی را می پذیرد و مسؤولیت و سهم فعال در اداره امور آن بعهده می گیرد چگونه می تواند موزون و هماهنگ و ناظر به اصل وحدت عمل نماید و تک روی و فردگرائی چه مضراتی دارد؟ ص ۷۲

۱۳۸ ـ توضیح دهید که بروز احساسات متضاد نیل به تکامل روحانی و تسلط طلبی معلول چه عواملی است و مستلزم چه اقدامی؟ ص ۷۳

۱۳۹ ـ محبت و شفقت چه تأثیری در فرآیند دوجانبه تکامل روحانی دارد؟ ص ۷۳

۱۴۰ ـ چرا از غلبه‌جوئی و استیلا طلبی بر افرادی که دوستشان داریم پرهیز می کنیم و از این امر چه نتیجه‌ای می توان گرفت؟ ص ۷۳

۱۴۱ ـ توضیح دهید که تسلط طلبی و سلطه‌جوئی و عدم مهر و محبت چگونه اراده انسان را منحرف نموده ره‌آورد آن چیست؟ ص ۷۴

۱۴۲ ـ توضیح دهید "اینکه فضیلت و تفوق نمایانگر تکامل شخصی است" در مقایسه با کلیت تفوق چیست؟ آیا مسیری غیر از برتری طلبی و سلطه‌جوئی دارد؟ این دو را مقایسه کنید. ص ۷۴

۱۴۳ ـ استدلال کنید که خدمت بی ریا کمال روحانی به همراه می آورد. ص ۷۵

۱۴۴ ـ توضیح دهید با آنکه سلطه‌جوئی ممکن است برای شخص غالب پیشرفتی به همراه داشته باشد به چه علت مذموم است و مانع رشد و اعتلای روحانی فرد و جامعه است؟ ص ۷۵

۱۴۵ – در جریان رشد روحانی هر فردی ممکن است مراحلی پیش‌آید که شخص قدرت مقاومت خود را از دست بدهد و خود را از رویارویی با مشکلات عاجز و ناتوان مشاهده‌نماید در چنین مواردی نقش معاشرت چیست ؟ ص ۷۶

۱۴۶ – چرا در انزوا کمالات روحانی حاصل نمی شود؟ ص ۷۷

۱۴۷ – ابعاد فردی و اجتماعی مشورت را در سیر تکامل روحانی توضیح دهید . ص ۷۷

۱۴۸ – تاثیر متنوع و عمومیت معاشرت در دیانت بهائی را در تکامل روحانی توضیح دهید . ص ۷۷

۱۴۹ – ابعاد تکامل روحانی اجتماعی را در دیانت بهائی توضیح دهید . ص ۷۸

۱۵۰ – با توجه به اینکه رشد روحانی در این عالم و عوالم بعد ادامه می یابد نقش قوای جسمانی در این عالم را توضیح دهید . ص ۷۹

۱۵۱ – بر اساس معتقدات بهائی هدف از حیات انسان را توضیح دهید . ص ۷۹

۱۵۲ – تاثیر جاذبه شدید محبت به خداوند را توضیح دهید . ص ۸۰

۱۵۳ – این امر که بشر به امکانات مادی دسترسی مستقیم دارد و به حقایق روحانی دسترسی مستقیم گذارد موجب چه انحرافی است و مستلزم چه کوشش و مجاهده‌ای خواهد بود؟ ص ۸۰

انتهی

توضیحات :

۱ – تمام منابع و مآخذ بر اساس منابع انگلیسی می باشد .

۲ – صفحه ۳۷ سطرآخر از پاراگراف اول تجلی وحدانیه صحیح است .

موفق باشید

دانشجوی عزیز

امیدواریم از مطالعه درس حیات روحانی بهره کافی برده باشید.

لطفاً در پایان ترم به این سوءالات پاسخ داده به همراه برگه امتحان تحویل نمایید:

۱ ـ آیا جزوه مفهوم حیات روحانی برای شما قابل درک بود؟

۲ ـ آیا مفاهیم این درس برای شما مفید و قابل استفاده بود؟

۳ ـ آیا راهنمای درس گویا و روشن بود؟

۴ ـ آیا راهنمای درس مفید و آموزنده بود؟

۵ ـ آیا سوءالات انتهای جزوه به درک مطلب کمک نموده مفید بود؟

۶ ـ آیا تکلیف اول روشن و مفید بود؟

۷ ـ آیا تکلیف دوم روشن و مفید بود؟

۸ ـ آیا امتحان میان ترم مطابق اهداف درس و راهنما بود؟

۹ ـ آیا امتحان پایان ترم مطابق اهداف درس و راهنما بود؟

۱۰ ـ آیا اوراق امتحان میان ترم و تکلیف اول بخوبی تصحیح شده بود؟

۱۱ ـ سایر نظرات و پیشنهادات:

توجه: لطفاً در هر مورد که جواب منفی است علت را توضیح دهید تا در رفع مشکل بکوشیم مطمئن باشید نظرات شما در اصلاح این درس ما را یاری خواهد نمود.

با تشکر و آرزوی توفیق شما